

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لطفاً فرق آیات تأویل نشده با تأویل شده را ببینید:

۵۶ (واقعه (آیه ۷۱: أَفَرَأَيْتُمُ اللَّارَ الَّتِي تُورُونَ (آیه ۷۱: آیا: در باره آتشی که می افروزید فکر کرده‌اید؟
(۷۱)

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ (۷۲)

انصاریان: آیا شما درختش را به وجود آورده اید یا ما به وجود آوردنده ایم؟
خرمشاهی: آیا شما درختش را آفریده‌اید یا ما آفریننده‌ایم؟
فولادوند: آیا شما [چوب] درخت آن را پدیدار کرده اید یا ما پدیدآورنده ایم
قمشه‌ای: آیا شما درخت آن را آفریدید یا ما آفریدیم؟
مکارم شیرازی: آیا شما درخت آن را آفریده اید؟ یا ما آفریده ایم؟

۵۶ (واقعه (۷۲: أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ (آیه ۷۲: آیا: شما درخت آن را آفریده‌اید؟ یا ما
با انرژی خود آنرا از خاک فراوری شده از انواع مواد معدنی، و آب و هوای مناسب برای رشد گیاه و نور خورشید؟ آفریده‌ایم؟
(۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (۷۳)

انصاریان: ما آن را وسیله تذکر و مایه استفاده برای صحرائشینیان و بیابانگردان قرار داده ایم.
خرمشاهی: ما آن را پندآموزی ساخته‌ایم و توشه‌ای برای رهروان
فولادوند: ما آن را [مایه] عبرت و [وسیله] استفاده برای بیابانگردان قرار داده ایم
قمشه‌ای: ما آن را مایه پند و عبرت و توشه مسافران (کوه و بیابان عالم) گردانیدیم.
مکارم شیرازی: ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان) و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده ایم.

۵۶ (واقعه (آیه ۷۳: نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (آیه ۷۳: ما هستیم که با انفجار بزرگ، کاینات و زمین را
آفریده‌ایم و گیاه را از آب و خاک به وجود آورده و با انرژی خود رشد و نمو می‌دهیم تا درختی بزرگ شود و چوبش را قابل سوختن
کرده‌ایم تا آن را وسیله یادآوری {خلقت و معاد} و وسیله زندگی برای مسافران {دنیای فانی} قرار داده‌ایم
(۷۳)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴)

انصاریان: پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.
خرمشاهی: پس به نام پروردگارت که بزرگ است تسبیح گوی
فولادوند: پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی
قمشه‌ای: پس (ای رسول) به نام بزرگ خدای خود تسبیح گو.
مکارم شیرازی: حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را پاک و منزّه بشمار).

(۵۶) واقعه (آیه ۷۴): فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (آیه ۷۴): *رای انسان حال که توسط فرستاده موعودم حقایقی از آیات قرآن را دانستی! به نام پروردگار بزرگت فَسَبِّحْ = شناور باش!، و بدان که تو روح شناور ابدی هستی! که خداوند آن را برای مدتی محدود؛ استوار و نمایان ساخته است! و روز قیامت با تمام وجود مجدداً تبدیل به امواج انرژی روح خواهی شد!* (۷۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿۷۵﴾

انصاریان: پس به جایگاه ستارگان سوگند می خورم،
خرمشاهی: سوگند می خورم به منزلگاههای ستارگان
فولادوند: نه [چنین است که می پندارید] سوگند به جایگاه های [ویژه و فواصل معین] ستارگان
قمشه‌ای: سوگند به مواقع نزول ستارگان (یا آیات کریمه قرآن).
مکارم شیرازی: سوگند به جایگاه ستارگان، و محل طلوع و غروب آنها.

(۵۶) واقعه (آیه ۷۵): فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿۷۵): *پس سوگند به جایگاه‌های ستارگان که در اشتباهید!* (۷۵)

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿۷۶﴾

انصاریان: و اگر بدانید بی تردید این سوگندی بس بزرگ است.
خرمشاهی: و آن اگر بدانید سوگندی عظیم است
فولادوند: اگر بدانید آن سوگندی سخت بزرگ است
قمشه‌ای: و این سوگند اگر بدانید بسی سوگند بزرگی است.
مکارم شیرازی: و این سوگندی است بسیار بزرگ اگر بدانید!

بهنام، توضیح: کتاب فیزیک از آغاز تا امروز و وبسایت‌های مختلف علمی نوشته‌اند: بیش از ۲۰۰ میلیارد کهکشان و هرکدام بایش از ۲۰۰ میلیارد ستاره در جهان وجود دارد!

(۵۶) واقعه (آیه ۷۶): وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿۷۶): *اگر از علم نجوم و حدود چهل هزار میلیارد ستارگان در بیش از دویست میلیارد کهکشان! چیزی بدانید قطعاً قبول خواهید نمود که آن سوگندی سخت بزرگ است!* (۷۶)

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿۷۷﴾

انصاریان: که یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و بارزش؛
خرمشاهی: آن قرآنی کریم است
فولادوند: که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند
قمشه‌ای: که این قرآن کتابی بسیار بزرگوار و سودمند و گرامی است.
مکارم شیرازی: که آن قرآن کریمی است

۵۶) واقعه (آیه ۷۷: إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿۷۷﴾: که این قرآن {محکمات آیات کتابی بسیار مهم و} کریم است (۷۷)

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۸﴾

انصاریان: [که] در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی [به نام لوح محفوظ جای دارد].
خرمشاهی: در کتابی نهفته
فولادوند: در کتابی نهفته
قمشه‌ای: که در لوح محفوظ سرّ حق مقام دارد.
مکارم شیرازی: که در کتاب محفوظ جای دارد.

بهنام: {برای تأویل صحیح استناد می‌کنم به آیات: ۹۸} سوره بینه (آیه ۱: لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿آیه ۱﴾: ای محمد! کافران {به آیات خدا در قرآن} از اهل کتاب و مشرکان! دست از پندار و آیین خود بر نمی‌دارند! تا زمانی که آیات و متشابهات قرآن تأویل علمی شوند و {دلیل روشنی از اعجاز و مطالب علمی قرآن} برای آنان بیاید! (۱)

۹۸) سوره بینه (آیه ۲: زَسُوْلٌ مِّنَ اللّٰهِ يَنْتَلُوْا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿آیه ۲﴾: بطوریکه در کتب تورات و انجیل نیز وعده داده‌ام {رسولی از سوی خدا (بیاید)} که {مکتوبات متشابهات} صحیفه‌های پاک {قرآن} را {برآنان و آیندگان} بخواند، (۲)

۹۸) سوره بینه (آیه ۳: فِيْهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ﴿آیه ۳﴾: که در آن نوشته‌های {حقیقی درست و علمی} پر ارزشی باشد! (۳)

۴۳) سوره زخرف (آیه ۲: وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾: سوگند به {قرآن بزرگ، آن} کتاب روشنگر {متشابهات قرآن} (۲)

۵۶) واقعه (آیه ۷۸: فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۸﴾: {مطالبی که فرستاده موعود ما «بهنام» در کتاب قرآن بزرگ نوشته؛ طبق وعده ماست که در آیات سوره بینه دادیم و تأویل همان متشابهاتی است که} در کتاب {قرآن} مکنون {و پنهان بود} (۷۸)

۱۰) سوره یونس (آیه ۳۷: وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيْلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۷﴾: و {اگر به علم آگاه باشند؛ پس از تأویل صحیح آیات قرآن خواهند دید؛ چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد!، بلکه تصدیق [کننده] آنچه {کتب} پیش از آن است می‌باشد، و {تأویل شدن آیات قرآن در کتاب قرآن بزرگ} تفصیلی برای آنهاست!، {پس} شکی در آن نیست که {کتب آسمانی و قرآن و قرآن بزرگ همه} از طرف پروردگار جهانیان {آمده} است. (۳۷)

بنده خدا: بهنام